

**Reappraisal of Imāmī Traditions
Concerning Purity of Water;
Explanation of a New Criterion****بازخوانی روایات امامیه در حوزه طهارت آب؛
تبیین یک ملاک نوین**Farhad Rahmanpour^{1*}, Amir Ahmadnezhad²فرهاد رحمان‌پور^{۱*}، امیر احمدنژاد^۲

1-PhD in Theology and Islamic Studies, department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

۱- دکترای الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

2- Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

۲- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Received Date: 2022/10/31

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

Accepted Date: 2023/02/14

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

Abstract**چکیده**

Since the early centuries, the generally accepted (*mashūr*) view among most of the scholars of Islamic schools of thought has been that scant (*qalīl*) water is considered impure after coming into contact with impure objects, even if its three qualities, i.e. the color, smell and taste of the water, do not change; but despite this accepted view, some opinions of Imāmī jurists, especially in the later and contemporary centuries, as well as Mālikīs' opinion, have been contrary to the generally accepted view. The present research has reappraised the Imāmī traditions in this field with *fiqh al-ḥadīth* (science of tradition comprehension) method and by using the scientific concept of proportion in this regard has reached a criterion or rule that confirms the unpopular opinion of the Imāmīs in this area, which is in accordance with the opinion of Mālikīs. On this basis, considering water as impure does not depend on its quantity, but rather on the proportion of impurity in the water. As a result, whether the water is scant or abundant (*kathīr*), it is considered impure only when the proportion of impurity in the water reaches such a level that it changes the three qualities of water.

از قرون نخستین، نظر مشهور در میان اغلب علمای مذاهب اسلامی این بوده است که آب قلیل پس از برخورد با نجاست، ناپاک دانسته می‌شود، حتی اگر اوصاف سه‌گانه آن یعنی رنگ، بو و طعم آب تغییر نکند؛ اما به‌رغم این شهرت، نظر شماری از فقهای امامیه به‌ویژه در قرون متأخر و معاصر و نیز نظر مالکیه برخلاف قول مشهور بوده است. پژوهش پیش‌رو روایات امامیه در این حوزه را با روش «فقه‌الحدیث» مورد بازخوانی قرار داده و با بهره‌گیری از مفهوم علمی نسبت، در این خصوص به ملاک یا قاعده‌ای دست یافته است که نظر غیر مشهور امامیه در این حوزه را که مطابق با نظر مالکیه است، تأیید می‌نماید. بر این اساس، ناپاک دانستن آب به مقدار آن بستگی ندارد، بلکه به نسبت میان نجاست و آب بستگی دارد. در نتیجه، آب چه قلیل باشد، چه کثیر، تنها هنگامی نجس دانسته می‌شود که نسبت ناپاکی در آب به‌حدی برسد که سبب تغییر اوصاف یا خصوصیات سه‌گانه آب شود.

واژگان کلیدی: فقه‌الحدیث، روایات امامیه، مالکیه، طهارت، تغییر آب، قاعده نسبت.

Keywords: fiqh al-ḥadīth, Imāmī traditions, Mālikīs, purity, water transformation, rule of proportion.

مقدمه

به گزارش علامه حلی (د ۷۲۶ق) علمای امامیه اتفاق دارند بر این که آب قلیل یعنی آب کمتر از کُر با ملاقات نجاست، نجس می شود، چه دچار تغییر (تغییر رنگ یا بو یا طعم) بشود و چه نشود؛ به جز ابن عقیل (د ۳۲۹ق) که معتقد است که آب نجس نمی شود، مگر این که در اثر نجاست دچار تغییر شود؛ چه کم باشد، چه زیاد و از میان اهل سنت این قول مالک بن انس بوده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۱/۱۷۶؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱/۱۹). عبدالرحمن جزیری (د ۱۳۶۰ق)، فقیه مصری، در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه بیان می کند که آب پاک اندک در برخورد با نجاست، نجس می شود؛ چه یکی از اوصاف آن تغییر کند، چه نکند. او اضافه می کند که مالکیه گفته اند که آب پاک در برخورد با نجاست، به شرط عدم تغییر اوصاف سه گانه آن نجس نمی شود؛ اگر چه از باب مراعات خلاف، استعمال آن کراهت دارد (جزیری، ۱۴۲۴ق، ۱/۴۰). به تقریر دیگر، نظر مذهب مالکیه این است که آب قلیل، آبی است که رنگ یا طعم یا بوی آن تغییر کند و اگر تغییر نکند، کثیر است (الموسوعة الفقهية، ۱۴۲۰ق، ۳۹/۳۶۹).

در دوران معاصر، تقسیم آب به دو دسته ی مطلق و مضاف و تقسیم آب مطلق به آب های جاری، چشمه غیر جاری، چاه، باران، کُر و قلیل در میان امامیه شهرت دارد (یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱/۶۳)؛ آب قلیل آبی است که کمتر از کُر باشد (یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱/۸۰) و بنا بر قول مشهور به محض برخورد با نجاست، نجس می شود (یزدی، ۱۴۱۹ق، ۱/۷۴-۷۵)؛ اما به رغم این شهرت، برخی از معاصران نیز قائل به این نظر بوده اند که آب های قلیل در برخورد با نجاست، به شرط عدم تغییر، نجس نمی شوند (فیض، ۱۳۸۲ش، ۵۰۰ و ۵۰۲؛ صادقی تهرانی، ۱۳۷۸ش، ۴۲).

در خصوص عدم نجاست آب قلیل در ملاقات با نجاست، در سال های اخیر دو پژوهش دیگر نیز منتشر است. نخست، مقاله ای که از منظر فقه امامیه و با رویکرد فطری و عقلایی - به ادعای نویسندگان آن - به بررسی و نقد هر دو قول پرداخته و پس از بررسی شماری از ادله هر دو قول، به این نتیجه رسیده است که آب قلیل در برخورد با نجاست، نه نجس است و نه نجس کننده ولی استفاده از آن کراهت شدید دارد (برزگر و امامی پناه، ۱۳۹۵ش، ۴۵-۱۰۹). پژوهش دیگر نیز به بررسی روایات مشهور در این حوزه و نیز بررسی و تحلیل ادله فقها بر تنجیس آب قلیل پرداخته و راه منطقی جمع بین ادله را در کراهت استعمال آن دانسته است (مرادخانی و رحیمی، ۱۳۹۵ش، ۳۱-۷ و ۱۳۹۳ش، ۱۰۶-۷۵). اما از آنجا که این دو پژوهش رویکرد فقهی داشته اند، تنها به روایات مشهور در کتب فقهی اکتفاء کرده و نیز به

برخی از ظرافت‌های حوزه فقه‌الحديث کم‌تر پرداخته‌اند؛ اما پژوهش پیش‌رو به روش «فقه‌الحديث» و با رویکردی جامع‌نگر، تمامی روایات مرتبط با موضوع را از ابواب مختلف جوامع روایی استخراج و بازخوانی نموده است. در این راستا ده‌ها روایت مرتبط برای نخستین بار بر مبنای یک مفهوم علمی^۱ به دو گروه اصلی موافق و مخالف و چندین زیرگروه دسته‌بندی شده و دلالت روایات هر زیرگروه مورد واکاوی قرار گرفته است. همچنین از وجوه تمایز مقاله حاضر، بهره‌گیری از تناسبات و محاسبات ریاضی برای تبیین موضوع است که می‌تواند از حیث روش‌شناسی در حوزه فهم احادیث نیز درخور اهمیت باشد.

۲- مفهوم تَغْيَرُ آب در روایات

بر اساس روایات منقول در منابع امامیه هنگامی که آب به مقدار کُر می‌رسد، چیزی آن را نجس نمی‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۶۰-۱۵۸، ح ۳۹۱، ۳۹۵ و ۳۹۷). این ویژگی دارای استثنائی است که در روایات از آن به تَغْيَرُ (تغییرپذیری) یاد شده است. بر مبنای این دسته از روایات، هر آبی که دچار تَغْيَرُ شود (کم باشد یا زیاد)، برای شرب، وضو و غسل، قابل استفاده نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۴۰-۱۳۵، ح ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۳۸ و ۳۳۹).

تَغْيَرُ در روایات ابواب آب مطلق به این معنا است که رنگ یا طعم یا بوی آب (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۳۵، ح ۳۳۰) در اثر ورود مردار، بول، خون، خمر و امثال آن تغییر کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۳۹-۱۳۷، ح ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۲).

۳- مفهوم نسبت (غلظت) نجاست

در این بخش، ابتدا مفهوم کلی نسبت (غلظت) و سپس ایده این پژوهش برای ملاک یا قاعده نجس دانستن آب، تبیین خواهد شد.

۳-۱- مفهوم غلظت

در علم شیمی، مقدار ماده حل‌شده در مقدار مشخصی از حلال را غلظت^۲ ماده حل‌شونده گویند (مورتیمر، ۱۳۸۰ش، ۱/۱۸۶). به تعبیر دیگر در یک محلول، مقدار نسبی یک جسم را غلظت می‌نامند (ماهان،

^۱. مفهوم غلظت در علم شیمی

^۲. Concentration

۱۳۷۱ ش، ۱ / ۱۷۶). از این مفهوم می‌توان برای مشخص کردن مقدار نسبی هر ماده‌ای در آب استفاده کرد. برای مثال غلظت ۵ گرم نمک در یک لیتر آب، ۵ گرم بر لیتر است. به همین ترتیب غلظت یا مقدار نسبی ۵ میلی‌لیتر از یک مایع ناپاک مانند خون در یک لیتر آب نیز ۵ میلی‌لیتر خون بر لیتر آب است. از این پس در این مقاله به منظور رعایت تناسب با حوزه واژگان علوم انسانی، به جای واژه غلظت از واژه «نسبت» استفاده خواهد شد.

۲-۳- قاعده نسبت

قاعده نسبت در این پژوهش، نخست با تأمل در تعدادی از روایات ابواب آب مطلق شکل گرفت. روایاتی که در سراسر این ابواب، به نوعی به تأثیر مقدار ناپاکی در حکم استفاده از آب اشاره دارند و در بخش بعد مورد بررسی قرار خواهند گرفت. دیگر زمینه پیدایش ایده قاعده نسبت، محاسبه نسبت نجاست در آب کُر مصطلح و آب کمتر از آن و مقایسه آن‌ها در نمونه‌هایی است که در ادامه خواهد آمد: نمونه اول: اگر مقدار ۲۵۰ میلی‌لیتر ادرار (معادل یک لیوان) در مقداری آب، معادل با یک کُر مصطلح ریخته شود. با توجه به مقدار مشهور کُر یعنی ۳۸۴ لیتر (نوری، ۱۳۹۱ ش: ۱۹۹ و ۲۱۲)، نسبت ادرار در چنین نمونه‌ای، $0/00065$ (میلی‌لیتر ادرار بر میلی‌لیتر آب) است.^۱ آزمایش خارجی نشان داد که این مقدار ادرار، رنگ یا طعم یا بوی آب را تغییر نمی‌دهد و بنابراین طبق نظر مشهور، چنین آبی پاک است. نمونه دوم: اگر یک قطره ادرار در یک لیتر آب انداخته شود، با توجه به این که جرم حجمی ادرار به تقریب با آب برابر است، هر ۲۰ قطره ادرار در حدود یک میلی‌لیتر حجم دارد، در این صورت نسبت ادرار در چنین نمونه‌ای $0/00005$ (میلی‌لیتر ادرار بر میلی‌لیتر آب) است.^۲ از آنجا که این آب قلیل است، هر چند که به هیچ وجه رنگ یا بو یا طعم آن تغییر نکرده است، بنا بر نظر مشهور، چنین آبی نجس خواهد بود.

اما مقایسه این دو نمونه نشان می‌دهد که نسبت نجاست در نمونه اول یعنی نمونه پاک (طبق نظر مشهور)، بیش از ۱۳ برابر نمونه دوم، یعنی نمونه ناپاک است.^۳ به عبارت دیگر نمونه‌ای که طبق نظر مشهور پاک است، در واقع، بسیار آلوده‌تر از نمونه ناپاک است!

۱. محاسبه: $250 \div 384000 = 0/00065$

۲. محاسبه: $1 \div 20000 = 0/00005$

۳. محاسبه: $0/00065 \div 0/00005 = 13$

با در نظر داشتن این تناقض آشکار و نیز بر مبنای روایاتی که در ادامه تبیین می‌شود، قاعده پیشنهادی در این مقاله یعنی «قاعده نسبت» بیان می‌کند که «ناپاک دانستن آب، به مقدار آب یعنی قلت یا کثرت آن بستگی ندارد، بلکه به مقدار نسبی نجاست در آب یا همان نسبت نجاست بستگی دارد» و تغییر آب، معیاری برای کشف این نسبت است.

۴- روایات مؤید قاعده نسبت

در این بخش، روایات مؤید ایده‌ی این پژوهش از میان ۱۹۶ روایت (با تکرار) از ابواب آب مطلق (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۱۳۳-۲۰۰) و چند روایت از سایر ابواب، دسته‌بندی و وجه دلالت آن‌ها بر تأیید قاعده نسبت تبیین خواهد شد.

۴-۱- روایت طهارت آب، مشروط به عدم تغییر

ابن‌ادریس حلی (د۵۹۸ق) در کتاب السرائر بدون سند نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: آب، پاک و پاک‌کننده آفریده شده است؛ چیزی آن‌را نجس نمی‌کند، مگر آن [ناپاکی] که مزه یا رنگ یا بوی آب را تغییر دهد (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۱/ ۶۴).

پس از ابن‌ادریس، محقق حلی (د۶۷۶ق) این روایت را در المعتمد نقل می‌کند و بر اساس آن، معیار ناپاکی آب را استیلاء رنگ، بو یا مزه‌ی نجاست بر آب دانسته است (حلی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۴۰). فیض کاشانی نیز در الوافی با ذکر این روایت در شرح حدیثی از ابواب آب‌ها، معیار نجس دانستن آب را چه قلیل باشد و چه کثیر، غلبه رنگ یا بو یا طعم نجاست بر آب می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۱۸). در منابع اهل سنت نیز ابن‌ماجه قزوینی (د۲۷۳ق) حدیثی مشابه با حدیث مذکور را در کتاب السنن از ابوامامه باهلی، صحابی پیامبر (ص) نقل کرده است (ابن‌ماجه، بی‌تا، ۱/ ۱۷۴). همچنین این حدیث از امام صادق (ع) می‌تواند مؤید مضمون حدیث منسوب به پیامبر (ص) باشد که:

«وَأَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَلَّمَا غَلَبَ الْمَاءُ عَلَى رِيحِ الْجَيْفَةِ فَتَوَضَّأَ مِنَ الْمَاءِ وَاشْرَبَ فَإِذَا تَغَيَّرَ الْمَاءُ أَوْ تَغَيَّرَ الطَّعْمُ فَلَا تَوَضَّأُ مِنْهُ وَلَا تَشْرَبُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۲۱۶)؛ «حریز از امام صادق (ع) نقل کند که هر جا که آب بر بوی مردار غالب بود، از آن آب وضو بگیر و بنوش. پس هرگاه آب یا طعم آن تغییر

نمود، وضو مگیر و ننوش». بنابر تحقیق علامه مجلسی سند روایت در رتبه صحیح قرار دارد (جلسی، ۱۴۰۶ق، ۲۱۸/۱). ملاحظه می‌شود که در روایت مرسل نبوی (ص) و روایت صحیح امام صادق (ع) هیچ اشاره‌ای به قلت یا کثرت آب نشده و تنها معیار برای کشف نجاست آب، تغییر آن دانسته شده است، بر مبنای ایده این پژوهش، تغییر به منزله معیاری برای بیان نسبت نجاست در آب است.

۲-۴- روایات مردار

در این روایات، حکم افتادن مردار در آبگیر و یا ظروف بزرگ حمل و نگهداری آب بیان می‌شود.

کامل‌ترین روایت این گروه، روایت زراره از امام باقر (ع) به شرح زیر است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَجُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَأَوِيَّةٌ مِنْ مَاءٍ سَقَطَتْ فِيهَا فَارَةٌ أَوْ جُرْذٌ أَوْ صَعْوَةٌ مَيْتَةٌ قَالَ إِذَا تَفَسَّخَ فِيهَا فَلَا تَشْرَبُ مِنْ مَائِهَا وَلَا تَتَوَضَّأُ وَصِبْهَا وَإِنْ كَانَ غَيْرَ مُتَفَسِّخٍ فَاشْرَبْ مِنْهُ وَتَوَضَّأْ وَاطْرَحِ الْمَيْتَةَ إِذَا أَخْرَجْتَهَا طَرِيَّةً وَكَذَلِكَ الْجِرَّةُ وَحُبُّ الْمَاءِ وَالْقَرْبَةُ وَأَشْبَاهُ ذَلِكَ مِنْ أَوْعِيَةِ الْمَاءِ قَالَ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِذَا كَانَ الْمَاءُ أَكْثَرَ مِنْ رَأَوِيَّةٍ لَمْ يَنْجَسْهُ شَيْءٌ تَفَسَّخَ فِيهِ أَوْ لَمْ يَتَفَسَّخْ إِلَّا أَنْ يَجِيءَ لَهُ رِيحٌ يَغْلِبُ عَلَى رِيحِ الْمَاءِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴۱۲/۱)، «زراره گوید که از امام باقر (ع) پرسیدم در مورد روایه‌ای از آب که موشی کوچک یا بزرگ یا صعوه‌ای (نوعی گنجشک) در آن افتاد، فرمود: اگر متلاشی شده است، ننوش و وضو مگیر و آب را بریز، و اگر متلاشی نشده بود، ننوش و وضو بگیر و مردار را دور بینداز، هنگامی که تازه باشد. چنین است حکم جرّه و حب و قربه و هر ظرفی مانند آن و فرمود: هرگاه آب بیش از روایه‌ای بود، چیزی آن را نجس نمی‌کند، چه در آن متلاشی شده باشد چه نشده باشد، مگر این‌که بوی مردار بر آب غالب شود».

اگرچه بررسی علامه مجلسی سند این روایت را در رتبه ضعیف قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۸۰/۳)؛ لیکن حدیث دیگری که متن آن، چکیده‌ای از حدیث مذکور ولی سلسله سند آن کامل است، بیان شده که در مرتبه حسن قرار دارد (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۸۶/۱). همچنین علامه مجلسی دو حدیث دیگر را نیز ذکر نموده که به لحاظ مفهوم نزدیک به حدیث مذکور هستند و در رتبه‌های موثق و صحیح قرار دارند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲۱۷/۱ و ۲۱۸).

اما ظاهر روایت بر این دلالت می‌کند که مردار جانداران کوچک مانند موش تا زمانی که ایجاد تغییر نکند، باعث نجاست آب یک روایه نمی‌شود. شیخ طوسی در ذیل روایت، روایه را به‌گرمی و متلاشی شدن

را به تغییر حمل کرده و احتمال کُر بودن سایر ظروف نامبرده در روایت را مردود ندانسته است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۷/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴۲/۱). مجلسی اما کُر دانستن راویه را محل بحث می‌داند؛ چراکه در این صورت تفاوت میان راویه و مقادیر بیش از آن در روایت مشخص نمی‌شود. حال آن‌که روایت، صراحت دارد به این‌که راویه با مردارِ متلاشی‌شده نجس می‌شود ولی بیش از یک راویه، تنها با تغییر نجس می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۸۰/۳).

اما علاوه بر استدلال مجلسی، بررسی واژه‌ها نیز نشان می‌دهد که کُر پنداشتن راویه، جای تأمل دارد. «راویه» در اصل شتری است که آب را حمل می‌کند و به این سبب [مجازاً] به ظرف آن نیز راویه گفته می‌شود (أزهری، ۴۲۱ق، ۲۲۶/۱۵). هر راویه دو قُلَّة (کوزه بزرگ) را پُر می‌کند (أزهری، ۴۲۱ق، ۲۳۲/۸). از طرفی بر اساس روایات، هر حُب معادل با دو قُلَّة یا دو جَرَّه است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶۶/۱). حُب را جَرَّه بزرگ دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳۱/۳). بنابراین هر راویه معادل یک حُب یا دو قُلَّة یا دو جَرَّه گنجایش داشته است. از آن‌جا که بر اساس یک روایت، جَرَّه می‌تواند صد رطل گنجایش داشته باشد (حر عاملی، ۱۵۳/۱، ۳۸۲ح)، پس هر راویه می‌تواند ۲۰۰ رطل باشد. بر اساس نظر دیگری، هر قُلَّة ۲۵۰ رطل عراقی (علی جمعه، ۱۴۲۱ق، ۴۶) است و بنابراین هر راویه، ۵۰۰ رطل عراقی می‌باشد؛ اما از آن‌جا که مقدار کُر در نظر شیخ طوسی، ۱۲۰۰ رطل عراقی است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴۳/۱)، در هر صورت، راویه نمی‌تواند به مقدار یک کُر مورد نظر شیخ طوسی گنجایش داشته باشد. نکته مهم دیگر این است که بر اساس این روایت اگر حیوان کوچکی در کوزه‌ای بمیرد، پیش از پراکنده شدن ذرات آن و به تعبیر دیگر پیش از افزایش نسبت نجاست در همه آب، آب نجس نمی‌شود؛ اما با متلاشی و پخش شدن اجزاء مردار یا اجزاء حاصل از تجزیه و تعفن مردار، نسبت نجاست در همه آب افزایش می‌یابد. این افزایش نسبت نجاست، خود را در تغییر بوی آب نشان می‌دهد که در انتهای روایت راویه به آن اشاره شده است.

همچنین در روایت موثقی (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲۱۷/۱) گفته شده که اگر بوی بد بر آب غلبه دارد، وضو مگیر و منوش (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۳۹/۱) و یا در روایت صحیح دیگری (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲۱۷/۱ و ۲۱۸) آمده است که اگر آب بر مردار «غلبه» دارد و بوی بد نمی‌دهد، از آن وضو بگیر (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۴۱/۱). در هر دو روایت اخیر، هیچ قرینه‌ای برای قلت یا کثرت آب وجود ندارد و

حکم آن تنها بر اساس مقدار نسبی نجاست در آب بیان می‌شود. این نسبت خود را در تغییر خصوصیات سه‌گانه آب نشان می‌دهد.

۳-۴- روایات جانب آبگیر

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَوْ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ أَوْ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ رَوَيْتَ مِنْهُ أَنَّ عَدِيَّ بْنَ أَبِي رَبِيعٍ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ غَدِيرِ أَتَوْهُ وَفِيهِ جَيْفَةٌ فَقَالَ إِنَّ كَانَ الْمَاءُ قَاهِرًا وَلَا تُوجَدُ مِنْهُ الرِّيحُ فَتَوَضَّأَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۴۱، ح ۳۴۶)؛ «من نزد امام صادق (ع) حضور داشتم که مردی از ایشان در مورد آبگیری که در آن مرداری افتاده است، سوال کرد. امام فرمود: اگر آب غلبه دارد و از آن بویی استشمام نمی‌کنی، وضو بگیر». سند این حدیث بنا بر بررسی مجلسی، صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۳/۲۰) و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بدون اشاره به وسعت آبگیر و مقدار آب، تا زمانی که آب آبگیر دچار تغییر نشده است، پاک دانسته می‌شود. بر مبنای قاعده نسبت، ظهور تغییر در آب نشانه تجزیه مردار و زیاد شدن نسبت نجاست در آب است؛ اما اگر گفته شود که با توجه به عبارت «جانب»، قرار داشتن مردار در بیرون از آبگیر مورد نظر بوده است. پاسخ این است که عبارت «فیه» به درون آبگیر اشاره دارد. همچنین در دو روایت دیگر، بدون اشاره به مقدار آب آبگیر، حکم جواز وضوگرفتن از جانب دیگر، برای «آب ساکن» بیان می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۶۱، ح ۳۹۹ و ۱/۱۶۲، ح ۴۰۳).

در نتیجه بر مبنای روایات جانب، آنچه که در ناپاک دانستن آب نقش دارد، نسبت نجاست در آبگیر است؛ نه وسعت آن، و همان‌گونه که بیان شد حد قابل قبول برای نسبت نجاست در روایات، تغییر نکردن خصوصیات سه‌گانه آب است.

۴-۴- روایات آب چاه

بر اساس کثیری از روایات، آب چاه با کشیدن حجم مشخصی از آب، پاک می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۷۹-۲۰۰)؛ چراکه پس از خارج کردن ناپاکی و کشیدن مقدار مشخصی از آب، چاه دوباره با منابع زیر زمینی آب، پر می‌شود. این حجم مشخص در روایات، با مقادیر متغیری (از یک دلو تا هفتاد دلو) بیان شده است. در مواردی نیز گفته شده که باید کل آب چاه کشیده شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۸۲، ح ۴۵۶ و ۱/۱۸۴، ح ۴۶۴).

حُر عاملی روایات آب چاه را در وسایل الشیعه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۷۹-۲۰۰) همچون شیخ طوسی در الاستبصار (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱/۳۰-۴۵) بر اساس نوع نجاستی که در تماس با آب چاه قرار می‌گیرد، دسته‌بندی و باب‌بندی کرده است. بررسی این ابواب در هر دو کتاب نشان می‌دهد که الگوی حاکم بر این دسته‌بندی، تابع نوع و مقدار یا بزرگی شیء نجس بوده است. این الگو به‌طور مستقیم از متن روایات امامیه اخذ شده؛ چراکه در این روایات نیز حکم آب کشیدن از چاه بر اساس نوع ناپاکی (و به تبع آن مقدار ناپاکی) بیان شده است. برای نمونه، هر دو کتاب روایات مربوط به مردار حمار، گاو و شتر را در یک باب و روایات مربوط به مردار مرغ، کبوتر، پرنده و گوسفند را در باب دیگری گردآورده‌اند.

در ادامه، مهم‌ترین روایات آب چاه که موافق با قاعده نسبت هستند، تبیین می‌گردند:

«أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَمَّا يَقَعُ فِي الْبَيْتِ مَا بَيْنَ الْفَأْرَةِ وَالسَّنَّوْرِ إِلَى الشَّأِ فَقَالَ كُلُّ ذَلِكَ نَقُولُ سَبْعَ دَلَاءٍ قَالَ حَتَّى بَلَغَتْ الْحِمَارَ وَالْجَمَلَ فَقَالَ كَرُّ مِنْ مَاءٍ قَالَ وَ أَقَلُّ مَا يَقَعُ فِي الْبَيْتِ عَصْفُورٌ يُنْزَحُ مِنْهَا دَلْوٌ وَ أَحَدٌ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۳۵)؛ «عمر بن سعید گوید که از امام باقر (ع) پرسیدم در مورد آنچه که در چاه می‌افتد از موش و گربه تا گوسفند، امام (ع) فرمود: در همه این موارد می‌گوییم که هفت دلو (آب کشیده می‌شود)؛ تا به حمار و شتر رسیدم، پس امام فرمود: به قدر گری از آب (کشیده می‌شود) و فرمود: کمترین چیزی که در چاه می‌افتد، گنجشک است که برای آن یک دلو آب کشیده می‌شود».

بر اساس بررسی این پژوهش، روایت اخیر کاملاً مسند و همه راویان آن در کتب رجالی ممدوح یا مذکور هستند؛ اگرچه محقق حلی با فطحی دانستن عمرو بن سعید این روایت را تضعیف نموده است (حلی، ۱۴۰۷ق، ۱/۵۸)؛ لیکن علامه مجلسی ضمن تأیید نظر والد خود، عمرو بن سعید فطحی مذهب را از اصحاب امام رضا (ع) می‌داند و عمرو بن سعید در این حدیث را بر اساس روایت وی از عمر بن یزید (از اصحاب امام صادق و امام کاظم (ع))، شخص دیگری دانسته و در نتیجه روایت را به رتبه حسن کالصحیح ارتقاء داده است.

در این روایت مقدار یا بزرگی ناپاکی و به تبع آن مقدار کشیدن آب از چاه به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- کوچک (گنجشک) با یک دلو، ۲- متوسط تا بزرگ (موش، گربه و گوسفند) با هفت دلو، ۳- خیلی بزرگ (شتر و حمار) با کُری از آب. مشابه با این مضمون، روایتی است که بیان می‌کند که برای مردار حیوان کوچک، چند دلو، برای غسل جنابت در چاه، هفت دلو و برای مردار شتر، کل آب چاه کشیده می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۸۰، ح ۴۴۹). در روایتی دیگر، برای حیوان کوچک و غسل جنابت، هفت دلو و برای مردار گاو، همه آب چاه خارج می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۷۹، ح ۴۴۴).

تأمل در این روایات آشکار می‌نماید که همگی آن‌ها از الگوی مقدار ناپاکی پیروی می‌کنند؛ به این معنا که هرچه مقدار ناپاکی بیشتر شود، مقدار خارج کردن آب از چاه نیز بیشتر می‌شود؛ اما به غیر از بزرگ‌تر شدن اندازه مردار یا ناپاکی، گاه چنین است که نسبت ناپاکی به سبب پخش شدن آن در چاه، افزایش پیدا می‌کند؛ چراکه تا زمانی که نجاست در چاه پخش نشده است، نسبت نجاست، تنها در اطراف نجاست زیاد است ولی هنگامی که نجاست در چاه پخش می‌شود، نسبت آن در همه چاه زیاد خواهد شد. این مطلب در روایت بعدی مورد توجه قرار گرفته است:

«مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيُّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَصِيرٍ قَالَ: ... سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَذْرَةِ تَقَعُ فِي الْبُئْرِ فَقَالَ يَنْزَحُ مِنْهَا عَشْرُ دَلَاءٍ فَإِنْ ذَابَتْ فَارْبَعُونَ أَوْ خَمْسُونَ دَلْوًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۴۴)، «ابوبصیر گوید که از امام صادق (ع) سؤال کردم در مورد کثافتی (عذره‌ای) که در چاه افتاده است. امام فرمود: ده دلو آب کشیده می‌شود ولی اگر در چاه پخش شده باشد، چهل یا پنجاه دلو».

علامه مجلسی سند این روایت را در رتبه ضعیف آورده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲/۳۰۹). این قضاوت ممکن است به ضعف «عبدالله بن بحر» در کتب رجال یا تعدد و ابهام در شخصیت «حسین بن سعید» بازگردد (خویی، ۱۳۹۰ق، ۵/۳۳۳-۳۳۹). اگرچه این حدیث با رویکرد وثوق سند در مرتبه صحیح قرار نمی‌گیرد؛ اما با رویکرد وثوق صدور به سبب واقع شدن در مجموعه‌ای از روایات هماهنگ با خود که در این پژوهش ذکر شده و خواهد شد (به منزله قرائن بیرون حدیث)، می‌تواند به خوبی قابل پذیرش باشد. به‌ویژه که قرینه عقلی نیز مؤید آن است.

در این حدیث، صحبت از افتادن نجاست جامد در چاه است. عقلاً تا وقتی که این نجاست در چاه پخش نشده، نسبت نجاست، تنها در اطراف آن و در بخش کوچکی از چاه زیاد است و از این رو پس از خروج نجاست، کشیدن ده دلو برای پاک شدن چاه، کافی دانسته می‌شود ولی پخش شدن نجاست در چاه که به معنای زیاد شدن نسبت ناپاکی در همه چاه است، ضرورت افزایش آب کشیدن از چاه را به همراه داشته است. از سوی دیگر، در این روایت مقدار بیان شده برای خارج کردن آب از چاه (چهل یا پنجاه دلو)، مقدار دقیقی نیست و روشن است که به کاهش نسبت نجاست در آب تا زمان از بین رفتن بو اشاره دارد.

در مجموع، بررسی روایات ابواب چاه نشان می‌دهد که معیار تغییر در مورد آب چاه نیز برقرار است؛ چراکه در برخی از روایات صحیح یا حسن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۵/۱۳، ۲۹ و ۳۵)، آب چاه تا هنگامی که متغیر نشده، پاک دانسته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷۱/۱-۱۷۰، ح ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵). بر همین اساس در دو روایت دیگر پس از مشخص کردن مقدار خارج کردن آب، گفته می‌شود که در صورت بر طرف نشدن تغییر، خارج کردن آب تا رفع تغییر ادامه یابد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷۹/۱، ح ۴۴۶ و ۱۸۴/۱، ح ۴۶۳). همچنین در روایات این ابواب به جز یک مورد که در آن بدون ذکر مقدار، آب چاه به طور کلی زیاد دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷۲/۱، ح ۴۲۸)، در سایر روایات هیچ اشاره‌ای به مقدار آب یا گنجایش چاه نشده است. از این رو کُر پنداشتن آب چاه در این روایات (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۴۲/۱) به این معنا که چاه معادل با ۱۲۰۰ رطل عراقی یا هر ابعاد معینی، آب داشته باشد، مبنای روایی ندارد. به علاوه با توجه به حفر چاه در عمق زمین، پی بردن به مقدار آب درون چاه، آسان و منطقی به نظر نمی‌رسد.

به این ترتیب، روشن می‌شود که در احادیث چاه، ذکر مقادیر مختلف دلو برای پاک شدن آب چاه، در تناسب با مقدار نجاست و با هدف اطمینان از کاهش نسبت نجاست در چاه، صورت گرفته است و مانند روایات مردار و جانب آبرگیر آنچه در نجس شمردن آب چاه نقش دارد، نسبت ناپاکی در چاه است. اینجا نیز حد قابل قبول برای نسبت ناپاکی، عدم تغییر خصوصیات سه گانه آب چاه است.

۴-۵- روایات پاک بودن آب استنجاء^۱

احادیث این باب به وضوح دلالت می‌کنند بر این که اگر پس از استنجاء، لباس شخص در آب استنجاء فرو رود، اشکالی بر آن نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۲۲۲-۲۲۳، ح ۵۶۵، ۵۶۶ و ۵۶۸) و یا نجس نمی‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۲۲۳، ح ۵۶۹). مجلسی در ذیل این احادیث بیان می‌کند که اعتقاد به طهارت آب استنجاء در میان علمای امامیه شهرت دارد؛ اما برخی گفته‌اند که نجاست آن عفو شده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱/۳۴۴-۳۴۶). به گزارش مجلسی، علمای امامیه برای پاک دانستن آب استنجاء، شرط‌هایی را ذکر کرده‌اند، مانند: عدم تغییر خصوصیات سه‌گانه، عدم تماس با نجاست خارجی و مشخص نبودن اجزاء نجاست در آب (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵/۷۷).

صرف نظر از اقوال مختلف در این موضوع، آن چه که از منظر این پژوهش اهمیت دارد، علت پاک دانستن آب استنجاء است که در یکی از روایات این باب بیان شده است. این روایت را شیخ صدوق در کتاب *علل الشرائع* در بیان علت حکم به شرح زیر نقل نموده است:

«أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَشْرِقِ عَنِ الْعِزَّارِ [الْعِزَّارِ] قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): ... الرَّجُلُ يَسْتَنْجِي فَيَقَعُ تَوْبَهُ فِي الْمَاءِ الَّذِي يَسْتَنْجِي بِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ فَسَكَتَ فَقَالَ أَوْ تَدْرِي لِمَ صَارَ لَا بَأْسَ بِهِ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّ الْمَاءَ أَكْثَرُ مِنَ الْقَدَرِ (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ۲۸۷/۱)، «احول گوید که بر امام صادق (ع) وارد شدم و سؤال کردم در مورد فردی که استنجاء می‌کند و لباسش در آبی می‌افتد که با آن استنجاء می‌کند. فرمود: اشکالی ندارد. سپس فرمود: آیا می‌دانی که چرا اشکال ندارد؟ زیرا آب بیشتر از آلودگی (نجاست) است.»

سند روایت فوق به سبب وجود دو فرد مجهول در سلسله سند (مرد مشرقی و عززا یا عیزار) در مرتبه مجهول قرار می‌گیرد؛ اگرچه وجود یونس بن عبدالرحمن که فقیه، و از اصحاب اجماع و ثقة است (خویی، ۱۳۹۰ق، ۲۱/۲۰۹-۲۱۰)، پیش از این افراد مجهول در اسناد و وجود پدر شیخ صدوق در صدر روایت، تا حدی جبران‌کننده سند است. همچنین شهرت فتوای موافق با متن حدیث در میان علمای امامیه نیز به توثیق آن کمک می‌کند.

۱. آب استفاده شده در تطهیر مخرج بول و مدفوع (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ۷۵/۱).

بر اساس آخرین عبارت حدیث، علت پاک دانستن آب استنجا (یا عدم نیاز به تطهیر لباس آلوده به آن)، کثرت آب نسبت به ناپاکی است. روشن است که چه نجاست نسبت به آب کم باشد و چه آب نسبت به نجاست زیاد باشد، نتیجه آن کم بودن نسبت نجاست در آب خواهد بود. به تصریح این روایت نیز علت پاک دانستن آب و یا عفو شدن نجاست آن، بیشتر بودن آب نسبت به ناپاکی و به عبارت دیگر، کم بودن نسبت ناپاکی در آب است. باید توجه داشت که در این روایت به هیچ روی نمی توان احتمال داد که آب استنجا، کثیر باشد. همچنین روشن است که بر اساس سایر روایاتی که در بخش اول بیان شد، معیار یا حد قابل قبول در اینجا نیز عدم تغییر خصوصیات سه گانه آب است.

۵- بررسی روایات معارض با قاعده نسبت نجاست

تعداد اندکی از روایات ابواب آب مطلق در نگاه نخست با ایده تبیین شده در این پژوهش یعنی قاعده نسبت نجاست در تعارض به نظر می رسد. در این بخش، مهم ترین روایات معارض، دسته بندی و مدلول آن ها مورد واکاوی قرار می گیرد:

۵-۱- احادیث قطره

در این روایات، حکم افتادن یک قطره خون، شراب و یا بول در چاه آب، بیان شده است که بارزترین

آنها حدیث زیر است:

«فَأَمَّا مَا رَوَاهُ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ كُرْدَوَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنِ الْبُثْرِ يَقَعُ فِيهَا قَطْرَةٌ دَمٍ أَوْ نَبِيذٍ مُسْكِرٍ أَوْ بَوْلٍ أَوْ خَمْرٍ قَالَ يُنْزَحُ مِنْهَا ثَلَاثُونَ دَلْوًا» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳۵/۱)، «کردویه گوید که از امام ابوالحسن - موسی بن جعفر (ع) - در مورد چاهی که قطره ای از خون یا بول یا شراب در آن می افتد، سؤال کردم و ایشان فرمود: سی دلو از آن کشیده می شود».

سند این حدیث مجهول است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲/۲۰۹)؛ ولی از آن جا که در شمار روایات معارض قرار دارد، با فرض وثاقت سند، در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

در نگاه نخست به نظر می رسد که حدیث فوق از میان تمام روایات ابواب آب مطلق، بیشترین

تعارض را با قاعده نسبت دارد؛ چراکه در یک چاه با مقدار متعارفی از آب، ورود یک قطره بول یا شراب به هیچ روی باعث تغییر آب نمی شود، چه رسد به این که برای پاک کردن آن نیاز به خارج کردن سی دلو آب باشد. بنابراین حد قابل قبول برای نسبت نجاست که در بخش های قبل به آن اشاره شد، یعنی عدم

تغییر آب، با فرض قبول این روایت، زیر سؤال خواهد رفت؛ اما بررسی مجموعه روایات مرتبط به شرح زیر نشان می‌دهد که این روایت نمی‌تواند نقض‌کننده قاعده باشد:

الف - ظاهر این روایت با روایات مشابه، در تناسب نیست؛ چراکه در یک روایت صحیح (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۳۱۱/۲) گفته شده که چاهی که قطرات بول و خون در آن می‌چکد، با خارج کردن چند دلو آب، پاک می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷۶/۱، ح ۴۴۲). همچنین در روایت موثق (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۶۰۶/۲) دیگری، پاک کردن آب چاه از بول انسان بالغ، چهل دلو دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۱/۱، ح ۴۵۱).

ب - ظاهر این روایت با سایر روایات ابواب چاه نیز در تناسب نیست. همان‌گونه که ذکر شد، در روایات متعددی مقدار آب کشیدن از چاه برای مردار موش، گربه، سگ و امثال آن، با مقادیر کمتری بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۴/۱-۱۸۰، ح ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۶۱ و ۴۶۲). در یکی از روایات صحیح (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۲۷۷/۲)، برای مردار سگ، کشیدن تنها چند دلو آب، کافی دانسته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۳/۱، ح ۴۶۱). همچنین چاهی که در اثر ادرار حیوانات و مدفوع سگ دچار تعفن شده است، با سی دلو پاک می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸۱/۱، ح ۴۵۲).

ج - بر اساس روایتی دیگر، آب کشیدن از چاه برای قطره بول یا شراب، میت و گوشت خوک، ده دلو بیان می‌شود؛ اما در ادامه روایت گفته شده که اگر بعد از کشیدن بیست دلو آب، هم‌چنان بوی نجاست غلبه دارد، خارج کردن آب از چاه تا از بین رفتن بوی آن ادامه می‌یابد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳۵/۱). در این روایت مقدار خارج کردن آب برای مردار یا گوشت خوک یا یک قطره بول یا شراب یکسان در نظر گرفته شده است. روشن است که اگر یک قطره بول یا شراب در چاهی بیفتد، موجب تغییر خصوصیات ظاهری آب نمی‌شود و این روایت اشاره دارد به هنگامی که آب چاه به دلیل کثرت نسبی ادرار، شراب و یا مردار، دچار تغییر شده باشد.

در مجموع با در نظر داشتن گروه روایات قطره و همچنین روایات چاه که در بخش خود بیان شد، منطقی‌ترین احتمال در مورد روایات قطره این است که در آن‌ها استمرار نزول قطرات به نحوی که باعث تغییر خصوصیات آب شود، مورد نظر بوده است. همچنین مقدار خارج کردن آب از چاه در همه این روایات، تابع مقدار نسبی نجاست در آب است و تا رفع تغییر آب ادامه می‌یابد. در نتیجه به احتمال زیاد

در روایات مذکور با علل یا آسیب‌هایی مانند تقطیع سبب نزول، تصحیف (اشتباه در نگارش)، نقل به معنا و از این قبیل علل لفظی روبرو باشیم؛ مانند اشتباه در نگارش یا نقل به معنا در واژه‌های «قطره» و «قطرات». ذکر مقادیر مختلف دلو (چند دلو، بیست، سی و یا چهل دلو) در این روایات نیز در تناسب با مقدار ناپاکی و با هدف رفع تغیر آب بوده است و در نتیجه، روایات قطره نمی‌توانند ناقض قاعده نسبت باشند.

۵-۲- احادیث ظرف آب (إناء)

در این روایات، حکم افتادن یک قطره نجاست به درون آب یک ظرف (إناء) و یا تماس آب ظرف

با نجاست، به شرح زیر بیان شده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَىٰ عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: ... سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ فَيَقْطُرُ قَطْرَةً فِي إِنَائِهِ هَلْ يَصْلِحُ الْوُضُوءُ مِنْهُ قَالَ لَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷۴/۳)، «علی بن جعفر گوید که از امام ابوالحسن - موسی بن جعفر (ع) - سؤال کردم در مورد شخصی که در حال وضو دچار خون دماغ می‌شود و قطره‌ای خون در ظرف او می‌چکد که آیا وضوی او صحیح است؛ فرمود: خیر».

سند این روایت صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۰۱/۱۳) و در همه موارد مشابه با آن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵۵/۱-۱۵۱، ح ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۳)، حکم افتادن قطره خون به درون ظرف (إناء) آب و یا تماس آب درون آن با ادرار، منی و نجاست، بیان می‌شود. در تمامی این روایات، گفته شده که باید از آب ظرف (إناء) اجتناب نمود.

ممکن است که در نگاه نخست به نظر آید که قطره‌ای خون یا مانند آن در درون ظرفی از آب، نسبت اندکی دارد و نمی‌تواند باعث تغییر خصوصیات سه‌گانه آب شود و بنابراین در ظاهر، فرمایش امام (ع) مبنی بر بطلان وضو، قاعده نسبت را نفی می‌کند؛ اما همان‌گونه که بیان شد، قاعده نسبت نجاست یک معیار نسبی است که هم به مقدار نجاست بستگی دارد و هم به مقدار آب.

بر این اساس تأمل در واژه‌ی کلیدی «إناء» نشان می‌دهد که این واژه به معنای مطلق ظرف نیست و شامل ظروف بزرگ نمی‌شود بلکه با توجه به کاربرد آن در جمله، به معنای جام یا کاسه بوده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۹/۲ و ۲۵۷/۶؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۱۱۰۸/۲). به همین ترتیب، بررسی این

پژوهش نشان می‌دهد که لغت‌شناسان متقدم، واژه «اناء» را برای آن دسته از ظروفی به‌کار برده‌اند که به منظور استفاده نهایی از آب، طعام، شراب و امثال آن، به‌کار می‌رود (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۱/۱۸۳). همچنین در یک روایت مشابه دیگر از واژه‌های دیگری که معادل جام یا کاسه هستند، استفاده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۵۴، ح ۳۸۵).

روشن است که رنگ یک قطره خون در ظرف کوچکی از آب که برای وضو استفاده می‌شود، به راحتی قابل تشخیص بوده و در نتیجه باطل دانستن وضو به سبب تغییر آب بوده است؛ اما اگر نجس دانستن آب اناء به دلیل تغییر آب، مورد پذیرش قرار نگیرد و بیان شود که آب چنان ظرفی حتی در صورت عدم تغییر، نجس خواهد بود؛ تناقض ذکر شده در نمونه‌های بخش ۳-۲ در اینجا نیز نمایان خواهد شد؛ چراکه اگر برای نمونه دوم، حجم اناء وضو را به تقریب، نیم لیتر (معادل دو لیوان) فرض کنیم؛ نسبت یک قطره نجاست در آن $0/0001$ (میلی لیتر نجاست بر میلی لیتر آب) است.^۱ در نتیجه، نسبت نجاست در نمونه اول بیش از شش برابر نمونه دوم است؛^۲ اما بنا بر نظر مشهور، نمونه اول پاک و نمونه دوم ناپاک دانسته می‌شود!

۵-۳- احادیث اوقیه

این گروه شامل دو حدیث است که در آن‌ها حکم کوزه‌ای که مقدار یک اوقیه از خون یا بول در آن ریخته شده است، بیان می‌شود:

«رَوَاهُ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْجِرَّةِ تَسَعُ مَائَةً رَطْلٍ يَقَعُ فِيهَا أَوْقِيَةٌ مِنْ دَمٍ أَشْرَبَ مِنْهُ وَ اتَّوَضَّأُ قَالَ لَا» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱/۲۳)، «سعید اعرج گوید که از امام صادق (ع) سؤال کردم در مورد کوزه‌ای که صد رطل آب گنجایش دارد و به مقدار یک اوقیه از خون در آن ریخته شده که آیا قابل شرب و وضو است. فرمود: خیر» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱/۲۳). سند این حدیث را پایین‌تر از صحیح و در رتبه موثق قرار داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۳/۱۹۵) مشابه با بیان فوق، روایتی است از امام کاظم (ع)، با این اختلاف که به جای خون، در مورد بول سؤال شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱/۱۵۶، ح ۳۹۰).

^۱ محاسبه: $1 \div 20 \div 5000 = 0/0001$

^۲ محاسبه: $6 \div 5 = 1/2 = 0/00065$

در نگاه نخست، ممکن است این دو روایت با قاعده نسبت در تعارض به نظر آید؛ چراکه حجم کوزه که در روایات صد رطل بیان شده، مقدار قابل توجهی بوده و شاید بدون این که آب کوزه دچار تغییر شود، حکم اجتناب از آن صادر شده است.

اما فهم این دو روایت به دانستن مقادیر اوقیه و رطل و نسبت میان آن دو بستگی دارد. لغت‌شناسان متقدم هر رطل را برابر با دوازده اوقیه دانسته‌اند (أزهری، ۱۴۲۱ق، ۲۱۶/۱۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۱۶۰۹/۴). بنابراین کوزه ذکر شده در روایت، معادل با ۱۲۰۰ اوقیه و در نتیجه نسبت ادرار یا خون در آن ۰/۰۰۸ است.^۱ با محاسبه معکوس به دست می‌آید که این نسبت، زمانی ایجاد می‌شود که ۰/۲ میلی‌لیتر خون در یک لیوان آب (۲۵۰ میلی‌لیتر) ریخته شود^۲ و اگر با تقریب هر ۲۰ قطره در حدود یک میلی‌لیتر در نظر گرفته شود، معادل است با چهار قطره خون یا ادرار در یک لیوان آب. آزمایش خارجی نشان داد که ریختن چهار قطره خون در یک لیوان آب، باعث تغییر رنگ و کدر شدن آب می‌شود. در نتیجه، قاعده نسبت و معیار آن یعنی تغییر آب، در احادیث اوقیه نیز برقرار است و این روایات نه تنها مخالف قاعده نیستند، بلکه می‌توانند در میان روایات مؤید نیز به‌شمار آیند.

۵-۴- احادیث آب کُر

در شماری از روایات امامیه گفته شده که اگر آب به مقدار کُر باشد، چیزی آن را نجس نمی‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶۰/۱-۱۵۸، ح ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۷). در تعدادی از روایات نیز مقدار چنین آبی با یکی از سه روش ابعاد، حجم ظروف و رطل، آن هم با مقادیری متعدد و اختلاف‌های بسیار بیان شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶۷/۱-۱۶۴، ح ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۱۶). به نظر می‌رسد که مجموعه این روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵۸-۱۶۸) بیش از هر علت دیگری سبب شکل‌گیری دوگانه آب قلیل- آب کثیر در میان امامیه بوده و همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، نظر مشهور در این حوزه یعنی نجس شدن آب قلیل در برخورد با هر مقداری از نجاست را به دنبال داشته است.

اما بررسی‌های جامع پژوهش دیگری در خصوص واژه‌های کُر و رطل نشان داده است که اصطلاح کُر در روایات امامیه یک معیار تقریبی برای بیان کمترین مقدار آب یک حوض یا آبگیر یا امثال آن است

^۱. محاسبه: $1 \div 1200 = 0.0008$

^۲. محاسبه: $250 \times 0.0008 = 0.2$

که در برخورد با مقادیر متعارف و معمول نجاست، مشروط به عدم تغییر خصوصیات سه‌گانه آب، پاک باقی خواهد ماند (رحمان‌پور و احمدنژاد، ۱۳۹۸ش، ۵۹-۲۷). به تعبیر دیگر، دلالت این گروه از روایات، تنها به حوزه آبیگیرها و امثال آن محدود می‌شود که در اثر کثرت تردد و استعمال انسان و جانوران و برخورد با نجاسات معمول دچار تغییر می‌شود. بنابراین نمی‌توان از این روایات نتیجه گرفت که برخورد مقادیر اندک نجاست با آب‌های کمتر از یک آبیگیر، آن‌را نجس می‌کند، مگر این‌که موجب تغییر خصوصیات سه‌گانه آب شود.

از سوی دیگر می‌توان چنین استنباط نمود که تفاوت بسیار در تعیین مقدار کُر در روایات، ما را به استحبابی و غیرالزامی بودن تفاوت میان کُر و قلیل و در نتیجه عدم نجاست آب قلیل در ملاقات با نجاست، رهنمون می‌سازد (برزگر و امامی‌پناه، ۱۳۹۵ش، ۱۰۰-۱۰۴).

بنابراین نمی‌توان از این گروه از روایات، نتیجه گرفت که برخورد مقادیر اندک نجاست با آب‌های کمتر از کُر تا هنگامی که موجب تغییر خصوصیات سه‌گانه آب نشده، آن‌را ناپاک می‌کند. در نتیجه روایات آب کُر و مقدار آن نیز ناقض قاعده نسبت نیستند.

۶- نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های فقه‌الحدیثی این پژوهش، روایات امامیه در حوزه طهارت آب بر ملاک یا قاعده‌ای عملی دلالت می‌کنند که در این پژوهش «قاعده نسبت» نام نهاده شد. بر مبنای این قاعده، نجس دانستن آب چه قلیل باشد، چه کثیر، به مقدار مطلق آب بستگی ندارد؛ بلکه به نسبت میان نجاست و آب و به تعبیر دیگر به «نسبت نجاست در آب» بستگی دارد و تغییر اوصاف سه‌گانه آب (رنگ یا بو یا طعم) در روایات امامیه، به مثابه معیاری برای کشف این نسبت معرفی شده است. در نتیجه، «قاعده نسبت» نظر غیر مشهور امامیه در این حوزه را که مطابق با نظر مالکیه است، از منظر دیگری تأیید می‌نماید.

منابع

- ابن ادريس حلي، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی، تحقيق: موسوی. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.*
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). *النهاية في غريب الحديث والاثار. تحقيق: طناحی و زاوی. چاپ چهارم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.*
- ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۸۵ق). *علل الشرائع. قم: کتابفروشی دآوری.*
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.*
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید. بی تا. سنن. تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي. بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیة.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. تصحيح: مجتبی عراقی و همکاران. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.*
- أزهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). *تهذيب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.*
- برزگر، مهدی؛ امامی پناه، محمدمبین. (۱۳۹۵ش). «عدم تنجیس آب قلیل به مجرد ملاقات نجاست». *فقه اهل بیت (ع)*. ۸۸، ۱۰۹-۴۵.
- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۲۴ق). *کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه. چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العلمیة.*
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). *الصحاح. تحقيق: عطار. بیروت: دار العلم للملایین.*
- حُرَّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة. تحقيق: مؤسسه آل البيت (ع). قم: مؤسسه آل البيت (ع).*
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر. تحقيق: محمد علی حیدری و دیگران. قم: مؤسسه سید الشهداء.*
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.*
- خویی، سیدابوالقاسم. (۱۳۹۰ق). *معجم رجال الحديث. قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم.*

رحمان پور، فرهاد؛ احمدنژاد، امیر. (۱۳۹۸ش). «بازخوانی واژه های کُر و رَطَل با تأکید بر روایات امامیه». پژوهش‌های فقهی تا اجتهاد. ۵: ۲۷-۵۹.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۷۸ش). رساله توضیح المسائل نوین. چاپ سوم. تهران: امید فردا.
طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار. تحقیق: حسن الموسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تحقیق: حسن الموسوی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

علی جمعه، محمد. (۱۴۲۱ق). المکابیل و الموازین الشرعیة. قاهره: القدس.
فیض، علیرضا. (۱۳۸۲ش). ویژگیهای اجتهاد و فقه یویا. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۱ق). مفاتیح الشرائع. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح: غفاری و آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ماهان، بروس هـ (۱۳۷۱ش). شیمی عمومی. ترجمه: صادقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
مرادخانی، احمد و رحیمی، مجتبی. (۱۳۹۳ش). «تأملی بر تنجیس آب قلیل به صرف ملاقات با نجس». مطالعات فقهی و فلسفی. ۵ (۱۹): ۷۵-۱۰۶.

مرادخانی، احمد و رحیمی، مجتبی. (۱۳۹۵ش). «نقد ادله مشهور بر تنجیس آب قلیل ملاقی با نجس». مطالعات فقهی و فلسفی. ۷ (۲۵): ۷-۳۱.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. تحقیق: جمعی از محققان. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ (۱۴۰۴ق). مرآة العقول. تحقیق: رسولی محلاتی. چاپ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخیار. تحقیق: رجایی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ق). الفقه علی المذاهب الخمسة. چاپ دهم. بیروت: دار التیاریت جدید - دار الجواد.

الموسوعة الفقهية. (۱۴۲۰ق). چاپ اول. کویت: وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية - الكويت.
مورتیمر، چارلز. (۱۳۸۰ش). شیمی عمومی. ترجمه: یآوری. چاپ هشتم. تهران: نشر علوم دانشگاهی.
نوری، سیدحسین، (۱۳۹۱ش). «راه‌های تشخیص آب کر». پژوهش‌های فقهی. ۸ (۲): ۱۹۱-۲۰۵.
هاشمی شاهرودی. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه
دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی. (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی (المحشی). تحقیق: محسنی سبزواری. قم:
دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

